

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۵

۶	۱-۱- کلیات
۶	۱-۱-۱- تعریف مسئله
۸	۲-۱-۱- پرسش‌های تحقیق
۸	۳-۱-۱- فرضیه‌های تحقیق
۹	۴-۱-۱- پیشینه
۱۲	۵-۱-۱- جنبه نوآوری تحقیق
۱۳	۶-۱-۱- ضرورت تحقیق
۱۴	۷-۱-۱- اهداف تحقیق
۱۵	۸-۱-۱- روش پژوهش
۱۶	۹-۱-۱- ساختار پژوهش
۱۷	۲-۱- مفاهیم
۱۷	۱-۲-۱- کلید واژه‌های تحقیق
۲۲	۲-۲-۱- مفهوم اهل بیت
۲۳	۳-۲-۱- دلایل حجیت قول اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> در تفسیر قرآن
۲۵	۴-۲-۱- ضرورت تفسیر اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۲۷	۵-۲-۱- گونه‌شناسی و ضوابط فهم روایات تفسیری اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۳۴	۶-۲-۱- دلایل حجیت روایات تفسیری
۴۲	۷-۲-۱- جمع بندی

فصل دوم: ماهیت تأویل ۴۵

۴۶	درآمد
۴۷	۱-۲- علل روی آوردن به تأویل
۴۹	۲-۲- ساختار قرآن از حیث وجود بطن و تأویل
۵۳	۳-۲- مفاهیم
۵۳	۱-۳-۲- مفهوم تفسیر
۵۶	۲-۳-۲- مفهوم واژه‌ی تأویل
۵۸	۳-۳-۲- تأویل در قرآن
۶۸	۴-۳-۲- مفهوم ظاهر و بطن
۷۰	۵-۳-۲- ظاهر و باطن در روایات
۷۵	۶-۳-۲- مفهوم تنزیل
۷۸	۷-۳-۲- جوه معنایی تأویل
۸۶	۸-۳-۲- تفاوت تفسیر و تأویل
۸۹	۹-۳-۲- اشتراک و افتراق بطن و تأویل
۹۰	۱۰-۳-۲- حدّ و مطلع
۹۳	۱۱-۳-۲- نمودار تنزیل و تأویل و مصداق و ظاهر و بطن در يك مثال
۹۵	۴-۲- ارتباط لایه‌های معنایی قرآن
۹۷	۱-۴-۲- معنای ظاهر و باطن آیات قرآن
۹۸	۲-۴-۲- تناسب بین ظاهر و باطن آیات
۱۰۱	۳-۴-۲- بررسی تناسب بین معنای ظاهری و باطنی در چند روایت
۱۰۵	۴-۴-۲- ایمان توأمان به ظاهر و باطن قرآن
۱۰۸	۵-۲- نیاز به اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> در فهم قرآن
۱۲۱	۶-۲- نتیجه

۱۲۴	فصل سوم: استنباط مبانی و روش تفسیر تأویلی
۱۲۵	درآمد
۱۲۵	۱-۳- مبنای تفسیر تأویلی
۱۳۷	۱-۱-۳- ارتباط توحید و ولایت
۱۴۰	۲-۱-۳- امامت تالی نبوت
۱۴۲	۳-۱-۳- ویژگی های خاص امام <small>علیه السلام</small>
۱۴۴	۴-۱-۳- شاخص پذیرش اعمال
۱۵۴	۲-۳- روش استنباط تأویل از آیات
۱۵۴	۱-۲-۳- مجاز: خطاب های عام و اراده خاص
۱۶۸	۲-۲-۳- کنایه و تعریض: نزول آیات به لحن کنایی
۱۷۶	۳-۲-۳- سریان باطن بر آیندگان (جرى)
۱۷۸	۴-۲-۳- تأویل طیبیات در قرآن به امام <small>علیه السلام</small>
۱۸۰	۵-۲-۳- تأویل برخی ضمائر جمع در قرآن
۱۸۶	۶-۲-۳- دین شناسی از راه امام شناسی
۱۹۱	۳-۳- نتیجه
۱۹۶	فصل چهارم آسیب شناسی روایات تأویلی
۱۹۷	درآمد
۱۹۹	۱-۴- حیطه آسیب شناسی روایات تأویلی
۱۹۹	۱-۱-۴- مرحله صدور حدیث
۲۰۱	۲-۱-۴- مرحله نقل حدیث
۲۰۱	غلو
۲۰۱	۱- مفهوم غلو
۲۰۲	۲- مرز غلو با تکریم
۲۰۸	۳- غلو در ذات و صفات
۲۰۹	۴- اتهام غلو
۲۳۲	الف) تفویض به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و ائمه هدی <small>علیهم السلام</small>
۲۴۶	ب) نسبت ولایت تکوینی با تفویض
۲۴۹	۳-۱-۴- مرحله فهم حدیث
۲۶۶	۲-۴- ارزیابی سندی روایات تأویلی
۲۷۰	۳-۴- نتیجه
۲۷۳	نتایج
۲۷۹	پیشنهادها
۲۸۰	فهرست منابع و مأخذ

چکیده

در میان روایات تفسیری که از اهل بیت پیامبر ﷺ به دست ما رسیده است، حجم زیادی اختصاص به گونه روایات تأویلی دارد. مراد از تأویل حقایق خارجی هستند که این روایات از آنها حکایت دارند و به آنها راهنمایی می‌کنند. این گونه روایات کمتر مورد توجه و تحلیل مفسران قرار گرفته است. مسئله‌ای که روایات تأویلی را مورد بی‌مهری قرار داده است، عدم شناخت مبانی و منطقی این تأویلات است که از اهل بیت صادر شده است. خلط معانی تنزیلی و تأویلی و منطقی نقد و ارزیابی و فهم آنها مشکل اصلی در برخورد با این روایات است. اهمیت این موضوع آنگاه روشن‌تر می‌شود که محور اساسی تفاوت مکتب تفسیری اهل بیت را با سایر مکاتب در پذیرش تأویل می‌یابیم. تأکید اهل بیت ﷺ بر این ویژگی از آن روست که از دیدگاه ایشان، مبنای تأویل یعنی آن حقیقت خارجی که در بطن آیات به آن توجه شده، معرفی و دلالت به امام است. این امر به جهت آن است که طریق عبودیت و شناخت و طاعت خداوند، اطاعت و پیروی از امام است زیرا امام مظهر اسماء حسناى الهی است و راه شناخت و عبودیت خداوند تبعیت از اوست. بر این پایه، فهم تفسیر تأویلی نیز نیاز به مبانی دارد تا کنه تأویل و دلالت‌های فرا زمانی و مکانی آن را سازمان بخشد.

مبانی فهم تأویلات استنباط شده از روایات عبارتند از: اول: الفاظ عام در قرآن عمدتاً دارای مصادیق خاص هم هستند که آن مصادیق، ائمه هستند. دوم: امام مجرای اراده الهی در تبیین و اجرای هدایت است. سوم: احکام الهی، احکام جزئی و فرعی و زمانی نیستند بلکه بر حقایق نوعی و کلی قابل تسری هستند. چهارم: حلال و حرام الهی در قرآن بر امام و شیعیانش و دشمنان او بر پایه همان طریقیّت دلالت دارد. پنجم: راه دین‌شناسی، شناخت امام است. ششم: ظاهر آیات که به صورت ماضی آمده بر حقایقی قابل تطبیق است که در آینده تحقق خواهد یافت.

اما در این میان، تفسیر تأویلی آسیب‌هایی هم دارد که باید با بررسی‌های سندی و محتوایی بازشناسی شوند. عمده آسیب روایات تأویلی در سه حوزه مرحله صدور حدیث، به جهت عدم درک صحیح معارف بلند توسط برخی راویان، و مرحله نقل، به جهت تصرف‌های غالبان در برخی نقل‌ها و مصادره آنها به نفع خود با دست اندازی به آنها، و مرحله فهم احادیث تأویلی، به جهت خلط حوزه‌های زبانی، خلط تفسیر و تطبیق، و امثال این‌ها رخ می‌نماید.

کلید واژه‌ها: تفسیر تأویلی، مکتب، روش، اهل بیت، مبانی تفسیری، تأویل

پیشگفتار

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (مائده ۱۵ و ۱۶)

قرآن مرتبه‌ای از علم الهی و جامعترین، استوارترین و آخرین رهنمود خداوند برای دستیابی به صلاح و فلاح و سعادت هر دو جهان است. ویژگیهای منحصر به فرد این کتاب بزرگ سبب گردیده است که اندیشمندان به دیده اعجاب به آن بنگرند و در صدد کشف رمز و رازها و مطالب ژرف، بدیع، هدایتگر و سازنده آن برآیند. از دیگر سو تبیین صحیح و تفسیر روشمندی که هدف نهایی انزال کتاب و این رازها را بیان میدارد تنها در پرتو تعالیم روشنگرانه اهل بیت علیهم‌السلام محقق میگردد. برای دریافت صحیح این تعالیم باید اصول و ضوابط حاکم بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام منقح گردیده و تبیین شود. پژوهش حاضر تلاشی است در راستای نیل به این مقصود که در چهار فصل به این مهم میپردازد.

فصل اول مباحثی چون تعریف مبنا - معناسناسی واژه اهل بیت علیهم‌السلام - دلایل حجیت قول اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن - گونه شناسی، حجیت، و ضوابط فهم روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام همچنین روش و ساختار تحقیق را مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد.

فصل دوم به تعریف مقدمات اختصاص یافته و اینکه اهل بیت علیهم‌السلام بعنوان تنها مبین قرآن و تأویل مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

فصل سوم مبانی تفسیر تأویلی بیان میگردد. ولایت اهل بیت علیهم‌السلام بعنوان شاخص پذیرش اعمال و امامت تالی تلو نبوت و این که ولایت چه زمانی بر مردم عرضه شد، شرایط امام و ویژگی‌های وی نیز از مقدماتی است که بدان پرداخته خواهد شد. مطلب دیگر تناسب ظاهر و باطن یا تأویل آیه و لفظ آن است. نهایتاً مبانی و اصول تأویل که مستخرج از روایات است طرح می‌گردد.

در فصل چهارم به آسیب شناسی روایات تأویلی پرداخته و سه حوزه آسیب پذیری روایات که مرحله صدور، مرحله نقل و مرحله فهم حدیث است مورد بررسی و مذاقه قرار خواهند گرفت. و در نهایت به بررسی شناسایی سندی احادیث نیز نیم نگاهی می‌اندازیم.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱-کلیات

پیش از هر چیز نیاز است، عنوان رساله با تعاریف رایج مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱-۱- تعریف مسئله

ارتباط قرآن و اهل بیت علیهم السلام به عنوان دو عنصر ارزشمند در ساحت هدایت دینی، ژرف، عمیق و ناگسستنی است. قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی، رسالت هدایت نسل‌های بشری تا انتهای عالم را به دوش می‌کشد و اهل بیت علیهم السلام به عنوان مفسر، مبین، حافظ و نگهدارنده‌ی قرآن، نقش مکمل را ایفا می‌نمایند. ارتباط این دو، آن چنان تنگاتنگ است که اگر یکی رها شود، دیگری مؤثر نخواهد بود، زیرا قرآن زمانی می‌تواند نقش هدایت‌گری خود را به درستی ایفا نماید که درست تفسیر و تبیین شود؛ امری که به عهده‌ی اهل بیت علیهم السلام گذاشته شده است.

در هر زمانی بهره‌برداری از قرآن منوط به تفسیر و تبیین درست آن است و قرآنی بدون تفسیر مانند چراغی است در دست انسان نابینا. از این‌رو بررسی میراث تفسیری اهل بیت علیهم السلام ضرورت پیدا می‌کند، زیرا این میراث گرانبها زمینه‌ی بهره‌گیری از قرآن را در تمام زمینه‌های زندگی فراهم می‌کند و به انسان‌های طالب هدایت، بینایی می‌بخشد.

از دیگر سو، نباید از نظر دور داشت که فهم متون دینی به ویژه قرآن، همانند فهم نوشته‌های دیگر قانونمند است. علاوه بر آن، قرآن به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردش، ملاک‌های افزون‌تری برای فهم دارد که غفلت از آن، انسان را از شناخت صحیح مراد خداوند باز می‌دارد. جایگاه و نقش اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن کریم، نقش کلیدی و اساسی در تبیین حقایق قرآنی دارد. این مهم، همزمان با نقش تأثیرگذار پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر آیات قرآن و تربیت مفسرانی گران قدر از صحابه، از جمله حضرت علی علیه السلام به عنوان صدرالمفسرین و آگاه‌ترین اشخاص به ظاهر و باطن قرآن آغاز می‌شود. کاوش در روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام بیان‌گر آن است که اهتمام ایشان و تأکید آنان در زمینه تفسیر، مقاصد معنوی قرآن بوده است و تفسیر لفظی قرآن در روایات تفسیری ایشان اندک است، زیرا تفسیر معنوی قرآن است که نیاز به آگاهی‌های ژرف دینی و آشنایی با روح فرهنگ قرآنی دارد. روایات تفسیری رسیده از معصوم علیه السلام به لحاظ معنوی انواع مختلفی دارد. بسیاری از این روایات تأویلی هستند. یعنی برای فهم دقیق آن باید مرجعی آگاه آن را به اصل خویش باز گرداند. تأویل نصوص به نوع خاصی از برداشت از متن اشاره دارد که به نحوی برخلاف ظاهر متن باشد و این ارجاع نیازمند علم و آگاهی است که اهل بیت علیهم السلام در حد اتم و اکمل آن را دارا

می‌باشند. توجه به معانی فراتر از ظاهر در قرآن کریم و دیگر نصوص دینی، زمینه ساز فرهنگ وسیع تأویل شده که در حوزه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی جایگاهی ویژه یافته است.

قطعاً در این حوزه از معارف نظریات گوناگونی مطرح است. عمدتاً درباره تأویل سخنان بسیاری گفته و نوشته شده و پیشینه‌ی این بحث به زمان حضرت رسول اکرم ﷺ باز می‌گردد. برای نخستین بار آن حضرت، این بعد از قرآن را فرا روی مسلمانان گشود و در سخنانی گران‌بها که از طریق فریقین نقل شده، قرآن کریم را دارای ظاهر و باطن معرفی فرمود. به عنوان نمونه، ابن‌مسعود روایت نزول قرآن بر هفت حرف که هر حرفی از آن دارای ظاهر و باطن است را از آن حضرت نقل کرده است. (خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۲، ص ۴۳) هم‌چنین پیامبر اکرم ﷺ در روایت دیگری، هرآیه‌ای از قرآن را دارای ظاهر و باطن و هر حرفی از آن را دارای تأویل دانسته که تنها خداوند و راسخان در علم به آن عالم هستند. (مجلسی، بی تا: ۳۳ ص ۱۵۵)

صحابه نیز علاوه بر اشاره به اصل و بعضی از ویژگی‌های باطن قرآن، عملاً اقدام به ذکر تأویل باطنی و اشاری برای قرآن کردند. بدین ترتیب، پیشینه‌ی بحث از باطن قرآن و تأویل باطنی آیات همزمان با نزول این کتاب آسمانی و توسط رسول اکرم ﷺ آغاز شد و پس از آن توسط صحابه و اهل بیت علیهم‌السلام پیگیری شد و سبب بارور شدن این نگرش در میان عقاید و افکار مسلمانان، از جمله شیعیان شد. این باورمندی نیاز به مبانی و اصولی داشت تا کنه تأویل و دلالت‌های فرا زمانی و مکانی آن را سازمان بخشد. با در نظر گرفتن تأویل و روایات تأویلی، تفاسیری شکل گرفت که به تفاسیر تأویلی مشهور شدند. البته برخی از این تفاسیر از قواعد و اصول تفسیری پیروی نکرده و قابل نقد می‌باشند. توجه ویژه در تفسیر روایات به بواطن الفاظ، ضمن اعتقاد به جنبه ظاهری، انصراف از ظواهر الفاظ، تکیه به تأویل به عنوان یک امر محوری در تفسیر قرآن و رمزی انگاشتن کلام خدا از ویژگی‌های اساسی این تفاسیر است. از دیگر سو، رویکرد تأویلی به قرآن کریم روشمند می‌باشد.

در این پژوهش پس از تبیین تأویل و اشاره به نظریات مختلف درباره‌ی آن و پس از تأملی بر تفسیر روایی و در نظر داشتن تمامی آنچه تحت عنوان روایات تأویلی از معصوم رسیده به دنبال اصول و ضوابطی هستیم تا ساختار واحدی از دلالت روایات تأویلی محقق شود. در این حوزه اشکالاتی نیز رخ می‌نماید که پاسخگویی بدانها با عنوان آسیب شناسی مطمح نظر است.

گفتنی است، در این زمینه کتابها و مقالات زیادی نگاشته شده است. در زمینه‌ی تفسیر نیز مطالب فراتر از احصاء و شمارش است. آنچه این پژوهش را از سایر تألیفات متمایز می‌نماید، رویکرد تلفیقی تفسیر تأویلی و نیز استنباط روش و مبنای فهم این نوع تفسیر از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. کشف و تبیین این روش مطلوب ما در این پایان نامه است.

۱-۱-۲- پرسش‌های تحقیق

سؤالاتی که در ضمن این تحقیق بدان پاسخ خواهیم گفت بدین شرح است:

الف) پرسش اصلی تحقیق

مبنای و روش تفسیر تأویلی در مکتب اهل بیت چیست؟

ب) پرسش‌های فرعی تحقیق

۱- حقیقت تأویل در روایات چیست؟ و مناسبت‌های میان روایات تأویلی و قرآن کریم کدام است؟

۲- مبنای تفسیر تأویلی در قرآن کریم و استناد به آنها کدام است؟

۳- آسیب‌های این روش کدامند؟ به عبارت دیگر آسیب‌شناسی روایات تأویلی در چه حوزه‌هایی اتفاق می‌افتد و راه حل این آسیب‌ها چیست؟

۱-۱-۳- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از:

الف- مبنای استنباط و استخراج تأویل از روایات، گفتار اهل بیت علیهم‌السلام است و محور قاطبه آیات قرآن، دعوت به ولایت و معرفت امام است.

ب- تأویل خاستگاه درون قرآنی داشته و به دلیل اشمال به آیات تأویل پذیر و معانی باطنی و عمیق عبارات قرآنی است. حقیقت تأویل دلالتی فرالفظی است و مقصود خداوند (مراد جدی) است و مناسبت میان روایات و قرآن می‌تواند معنی التزامی، پیام کلی و مصداق باشد.

ج- برخی از مبانی تفسیر تأویلی عبارتند از: خطابه‌های عام و اراده خاص، تأویل آیات گذشته به آینده و جری، راه دین شناسی، شناخت امام و....

د- در هم آمیختگی روایات تفسیری و عدم جداسازی روشهای گوناگون معصومان در تفسیر سبب گردیده تا برداشت نادرست از منابع تفاسیر مآثور، صورت پذیرد.

ه- تلاش برای تطبیق آیات قرآن با اندیشه‌ها و عقاید و تأویل جویی آیات از سوی برخی افراد نقد پذیر بوده و آسیب‌ها در سه حوزه نقل، فهم و انتقال رخ می‌دهد.

۱-۱-۴-پیشینه

پیشینه عنوان رساله در دو محور بحث و تحقیق قابل رهگیری است.

الف) پیشینه بحث

تأویل دارای سابقه‌ای طولانی بوده و حضور آن در فرهنگ مکتوب و آموزه‌های تمدن اسلامی بیشتر و پیشتر از هر چیز مرهون نصوص دینی است. پیامبر ﷺ فرمود: «ما راسخان در علمیم و تأویل متشابه را می‌دانیم». (مجلسی، بی‌تا: ج ۸۹ ص ۱۵۵). در عصر نخست تأویل بمعنای تفسیر استعمال شده است.

پس از دوران صحابه، اندک اندک، اتحاد نسبی که در عقاید و آراء مسلمین وجود داشت به تفرقه گرایید. این امر موجب پیدایش فرق مختلف شد. در روزگار تابعین در تفسیر قرآن، روش تفسیر به رأی گسترش نسبی پیدا کرد و زمینه برای تفسیرهای مذهبی آماده گردید. بر اساس سخن ابو الحسن اشعری، «اولین اختلاف در امت اسلام، اختلاف در امامت و خلافت بود.» (اشعری، ۱۹۷۷م: ۴۷) این اختلاف زمینه اختلافات فرعی دیگری مانند برخی از مظاهر عقاید و یا فروع احکام و نیز تفاوت برداشت‌ها در تفسیر قرآن را، سبب ساز شد. فاصله تشّت آراء و اختلاف عقاید، که بجز در موضوع یگانگی خدا، رسالت پیامبر ﷺ و اصل وجود قرآن و قبله، همه مسائل اصلی و فرعی دیگر را در بر می‌گرفت به‌اندازه‌ای گسترده بود که هر فرقه عقیده داشت که خود فرقه نجات یافته است. همه این نحله‌ها که صبغهی فکری / مذهبی داشتند برای اثبات صحت عقیده خود به قرآن تمسک می‌جستند. روش برداشت و نوع استنباط متفکران هر مکتب، از قرآن واحد با صاحب نظران دیگر مکاتب فکری متفاوت و حتی بعضاً متضاد بود.

این فرقه‌ها به بعضی آیات قرآن که با نظریات‌شان موافقت داشت استدلال کرده اگر آیاتی را با مبانی فکری خود معارض می‌دیدند دست به دامان تأویل می‌شدند.

چنان‌که آوردیم جامعه اسلامی پس از روزگار صحابیان به شدت دستخوش تفرقه شد. جریان‌های گوناگونی پدید آمد و نحله‌های مختلفی شکل گرفت. اینان برای اثبات آراء، اندیشه‌ها و مبانی نظری خود منبع معتمدی که همگان در برابر آن تسلیم باشند فقط قرآن را داشتند. بدین سان هر آنچه از ظاهر آیات با آن اندیشه‌ها در تضاد بود توجیه می‌کردند و به آن نام «تأویل» می‌نهادند. به عنوان نمونه معتزله، گروهی از متکلمان که به سبب توجه به مبانی عقلی و اعتقاد به اصالت عقل، سعی داشتند همواره مسائل و مباحث دینی را با عقل وفق دهند، هرگاه نصوصی از دین را با عقل ناسازگار می‌پنداشتند آن را نپذیرفته به توجیه و بازگرداندن متن از ظاهر دست می‌یازیدند.

از دیدگاه شیعه، پیامبر و عترت علیهم‌السلام جملاتی را با این مضمون فرموده‌اند که «قرآن دارای بواطن است و همه قرآن دارای تأویل است و تأویل آن هم مستقیماً از راه تفکر قابل درک نیست. چنانکه از راه لفظ نیز قابل بیان نمی‌باشد و تنها پیامبران و پاکان و اولیاء خدا که از آایشهای بشری منزّه‌اند، می‌توانند از راه مشاهده آنها را بیابند.» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۵۱) شیعه با توجه به همین اعتقاد (باطن داشتن قرآن) تأویل آیات قرآنی را تنها در زمان واحد و برای اهل آن روزگار جاری نمی‌داند. بلکه معتقد است که در هر دوره از روزگار، آن را تأویلی است که هر لحظه جریان می‌یابد. بنابراین معانی قرآن دائماً در حال تجدید است. روایت شریف «يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» که از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است متضمن جریان و سریان معانی قرآن در طول روزگاران است. (صفا: ۲۱۶) این معانی که دائماً در حال نو شدن و تجدید است و مرحوم علامه طباطبائی اصطلاح «جری» را بر آنها اطلاق کرده و نیز آن دسته از روایاتی که آیات قرآن را به اهل بیت و دشمنانشان تطبیق می‌دهد، به نوعی، متضمن تأویل است. صحابه نیز علاوه بر اشاره به اصل و بعضی از ویژگی‌های باطن قرآن، عملاً اقدام به ذکر تأویل باطنی و اشاری برای قرآن کردند. به عنوان نمونه، ابن عباس در تفسیر سوره نصر، از ورای ظاهر آن، نزدیک شدن و فرا رسیدن اجل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برداشت می‌کند؛ امری فراتر از مدلول ظاهری آیات که عمر بن خطاب در مجلس شیوخ بدر آن را نشانه برتری ابن عباس بر آنان می‌شمارد. (مجلسی، بی‌تا: ۲۱ ص ۱۰۰)

اما در دوره تابعین، با سپری شدن زمان نزول قرآن، تطبیق معانی آیات بر غیر مورد نزول گسترش یافت و آیاتی که دارای شان نزول خاصی بودند، بر موارد مشابه خود تطبیق داده می‌شدند.

روایات تطبیق که بالغ بر ده‌ها مورد است، بیشتر منسوب به امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است که در دوره تابعین می‌زیسته‌اند. به عنوان مثال، در روایت فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام بطن قرآن به تأویل آن، که سبب حیات باطراوت و تازه قرآن در هر عصر و زمان می‌باشد، معنی شده است. و این‌گونه رسالت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تبیین اصل وجود بعد باطنی برای قرآن توسط اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تداوم می‌یابد.

پس از دوره تابعین نیز در نیمه نخست قرن دوم هجری، رویکرد گسترده به تأویل قرآن با عنوان تفسیر بطون (تأویل باطنی) آغاز شد. ورود اندیشه‌های کلامی و فلسفی یونانی در حوزه فرهنگ اسلامی باعث شد تا مسلمانان در رویارویی با این فرهنگ جدید، ناگزیر نگرش‌های جدید و عمیق‌تری به منابع معرفتی خود به ویژه قرآن داشته باشند. توجه به تأویل باطنی قرآن هم‌چنان ادامه یافت و فرقه‌های نوظهور که بعدها «اسماعیلیه» نامیده شدند، با اصالت دادن به آن، ظواهر قرآن را در برابر بطون، فاقد ارزش تلقی کردند و این سبب واکنش عده‌ای از دانشمندان شد.

در قرن سوم هجری، سهل بن عبدالله تستری از عارفان اهل سنت، تفسیری نوشت که تماماً به بطن قرآن نظر داشت و در قرن چهارم، ابو عبدالرحمن سلمی، تفسیر خود را به نام حقائق التفسیر با چنین رویکردی نگاشت. در قرن پنجم، ابوحامد غزالی به مقوله باطن قرآن التفات شایانی کرد و ابوالقاسم قشیری اقدام به تحریر تفسیر به نام لطائف الاشارات کرد که سراسر آن، اشارات تفسیری و بیان اسرار باطنی قرآن بود. در قرن ششم و هفتم هجری، محیی‌الدین بن عربی تفسیر خود را هم‌چون کشف الاسرار و عدة الابرار میبیدی براساس نگرش به باطن قرآن نوشت. در قرن هشتم، سیدحیدر آملی کتاب جامع الاسرار و تفسیر محیط الاعظم و البحر الخضم را در این راستا به جامعه عرفان اسلامی تقدیم کرد. تداوم این دیدگاه قرآنی به دوره اخباری‌ها رسید و آنان حتی فهم ظواهر آیات را در اثر ارتباط با باطن قرآن برای غیر معصوم منکر شدند و انبوهی از روایات را در خصوص تفسیر باطنی قرآن، بدون تمییز سره از ناسره نقل کردند و پس از آنان با آغاز دوره اصولیون و فقهای شیعه، ضمن تأکید بر وجود و صحت جنبه بطن قرآن، عدم ارتباط آن با حجیت ظواهر مورد توجه قرار گرفت و پیوندی معقول بین ظاهر و بطن قرآن نظیر پیوند لازم و ملزوم برقرار شد.

ب: پیشینه تحقیق

درباره تأویل، معناشناسی حقیقت و ماهیت این واژه سخنان بسیاری رفته است. تقریباً در اکثر کتب علوم قرآنی پس از پرداختن به تفسیر درباره تأویل نیز مطالبی نوشته شده است از آن جمله

می‌توان کتاب‌های مبانی و روش‌های تفسیر قرآن از عباسعلی عمید زنجانی، التمهید آیت الله معرفت، آشنایی با علوم قرآنی حلبی والتفسیر والتأویل صلاح عبدالفتاح خالدی و... را نام برد. در کتب تاریخی نیز آنجا که به پیدایش فرق مسلمانان اشاره می‌شود، عمدتاً سخن از تأویل ناصحیح که منجر به رشد و شکل‌گیری فرقه‌های گوناگون شده، می‌رود. می‌توان در این گروه از کتاب‌های فرهنگ فرق اسلامی از محمد جواد مشکور فرق و مذاهب اسلامی از حسن بن موسی نوبختی و... نام برد. در زمینه تأویل بطور اخص کتاب روش‌های تأویل قرآن از محمد کاظم شاکر و پژوهشی در جریان شناسی عرفانی از آقای محسن قاسم پور نیز قابل ذکر است. البته به این نکته باید توجه شود که بحث تأویل در تمامی کتب تفسیری متقدمین و متأخرین نیز ذیل آیات مختلفی که تأویل در آنها به کار رفته از جمله آیه ۷ سوره آل عمران یا سوره کهف و اعراف و... به چشم می‌خورد. مقالات بسیاری نیز در این حوزه نگاشته شده است از جمله مقاله تأویل آیات از نگاه فیض کاشانی از آقای دکتر عبدالله زاده. پایان نامه‌هایی که نزدیک به این موضوع نگاشته شده عبارتند از: رساله دکتری اصول تفسیر برگرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام، زهره اخوان مقدم - رساله دکتری نقش اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن، حسین صفره و... اما در هیچیک از منابعی که مورد استفاده اینجانب قرار گرفت روش اهل بیت علیهم‌السلام در به کار بردن تأویل دیده نشد و علیرغم مباحث بسیار در این زمینه هنوز جای واکاوی وجود دارد.

۱-۱-۵- جنبه نوآوری تحقیق

با وجود این که مطالب فراوانی درباره‌ی تأویل و اقسام آن نگاشته شده است؛ اما عمدتاً این تعاریف مربوط به حوزه‌ی نظری بوده و از مرحله فرضیه خارج نشده است. این امر از آن رو اتفاق افتاده که اساس بحث تأویل و شناخت آن مرتبط با راسخان در علم است و هرکسی را به این حوزه از معارف راهی نیست. متن قرآن کریم نزد هیچ یک از مذاهب اسلامی مورد اختلاف نبوده و نیست. غالب اختلافات مربوط به تفسیر و برداشت از قرآن کریم است. آن هم نه برداشت از ظاهر، بلکه تأویل آیات قرآن کریم موجب اختلاف دیدگاهها و حتی به وجود آمدن مذاهب مختلف شده است. این مسئله به عنوان یک روش مستمر و جریان خاص باید مورد مطالعه دقیق قرار گیرد. خصوصاً در نزد مفسران شیعه باید این نکته مورد توجه قرار گیرد که به چه جوهی تأویل قرآن مقبول بوده است و روش صحیح تأویل گرایی شیعی باید شناخته شود. این کار تاکنون به صورت بازشناسی مبانی و روش کلی مورد مطالعه قرار نگرفته است.

نویسنده با تتبعی که در منابع مختلف نمود، کتاب یا مقاله‌ی مستقلی پیرامون موضوع رساله‌ی حاضر نیافت. در حوزه تفسیر، مبانی و اصول تفسیر و تأویل کتاب‌ها و مقالات زیادی نگاشته شده است. اما آنچه باعث شد تا به این موضوع پرداخته شود، این امر بود که در مواردی که نگارنده ملاحظه نمود تنها به جنبه‌های نظری بحث توجه شده و کارکرد اجتماعی و رویکردی که این نوع نگاه به تفسیر قرآن می‌تواند سبب شود نادیده گرفته شد. در بحث تفسیر تأویلی آن‌گونه که خواهیم دید عمدتاً بحث امام و معرفت وی و تسلیم محض نسبت به اوامر او مد نظر قرار می‌گیرد و این مسئله جهت‌گیری خاصی را در زندگی فردی و اجتماعی ایجاد خواهد کرد. اگر قرار باشد تنها به حوزه نظریه‌پردازی اکتفا گردد گویا اطلاعاتی که حتی جنبه عملی و کاربردی ندارند در اختیار افراد قرار دارد ولی منشأ اثر و نتیجه نیست. در بسیاری موارد پس از تبیین اطلاعات نظری شواهدی نیز به استعانت گرفته شده اما عقیم مانده است. حال آنکه اگر کل قرآن را براساس ساختار واحدی ببینیم که عمده امرها و نهی‌ها و مواعظ و... دلالت به وجود امام به‌عنوان مبین و مفسر قرآن می‌نماید که همگان را مستلزم به اطاعت و فرمانبرداری از او می‌نماید، دیگر بحث از جنبه نظری خارج شده و به شکل کاربردی مورد توجه قرار خواهد گرفت. نکته دیگر آنکه اگر مصادیق بطن، تأویل، جری و... را همگی مرتبط با حوزه تأویل در نظر بگیریم بدون اغراق شاید یک پنجم آیات، تأویلی بوده و در هر ۵ آیه یک آیه دلالت به امام و راهنمای حق را متذکر می‌گردد و این امر جز تأکید بر عکوف بر درگاه اهل بیت علیهم‌السلام معنایی ندارد. پژوهش حاضر ضمن تبیین تأویل و مباحث نظری آن از جنبه دیگری که کاربردی نمودن آیات و تأویل آنها در زندگی بشر باشد، براساس روشمند نمودن آنچه از اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه به دست ما رسیده است، تنظیم گردیده که در نوع خود جدید می‌باشد.

۱-۱-۶- ضرورت تحقیق

فهم متون وحیانی بویژه قرآن، موضوعی مهم در فهم دین و از جمله دغدغه‌های اصلی دین پژوهان، از گذشته تاکنون بوده است. چگونگی تفسیر در ادیان مختلف همواره محل بحث و گفتگوی متفکران دینی بوده است. اهمیت تفسیر متون دینی، به کشف مفاهیم نهفته در متن بر می‌گردد. در دوره معاصر، تلاش برای ارائه یک منطق مدوّن، برای کشف آموزه‌ها، از درون گزاره‌های دینی (قرآن) مطرح است. رهاورد این تلاش‌ها، میراثی فاخر است که بین متقدمان، اغلب در قالب مقدمه تفاسیر، و بین متأخران علاوه بر آن، در تألیفات جداگانه گرد آمده است. هویت شناسی و طبقه‌بندی اصول و مبانی تفسیر از نوع تأویلی از مباحث بنیادی و نظری تفسیر به شمار می‌آید. با توجه به اهمیت نقش قرآن در سازندگی و ایجاد حیات و نیز اثرگذاری قرآن لازم مینمود تا

شیوه بهره‌مندی از این دریای بیکران بر اساس تبیین معصوم روشن گردد. هرچند در تفاسیر و کتب قرآنی و آثار برخی از قرآن پژوهان، مطالبی به صورت پراکنده در این باب آمده است، اما خلأ یک اثر که به صورت منسجم و کامل به بیان این مطلب پردازد و به بسیاری از شبهات پاسخ بدهد، مشهود بود؛ لذا تحقیق و پژوهش در زمینه تبیین مبانی تفسیر تأویلی از منظر و لسان اهل بیت علیهم‌السلام ضروری، می‌نمود. اساساً اختلاف نظر مفسران در مبانی تفسیری، از مهمترین علل تنوع نظریات تفسیری می‌باشد. تفسیر امامیه از آن جهت که از تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام بهره برده ضابطه‌مندتر بوده، و بر تفسیر فرق دیگر برتری دارد. اما رویکرد تبیین، طبقه بندی و نقد اصول تفسیری که مبتنی بر تأویل آنهم مأخوذ از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشد کمتر مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته و این عرصه، همواره چشم براه تحقیقات جدی و پر دامنه محققان است. این خلا و کمبود در بررسی و تدوین اصول و مبانی تفسیر تأویلی بطور جدی به چشم می‌خورد، و استخراج و نیز جمع آوری این مبانی مورد توجه اندیشمندان شیعه است. این گونه پژوهش‌ها، علاوه بر ضرورت‌های درون مذهبی، در حوزه بین المذهبی نیز اهمیت ویژه ای دارد. شدت یافتن کتاب‌های به ظاهر نقد نما، از سوی جریان های تندرو سلفی، و برخی افراد مغرض، اهمیت و ضرورت پژوهش در اصول و مبانی تفسیر تأویلی را دو چندان کرده است. بررسی علل و عواملی که موجب اختلاف مفسران تأویل مسلک در تفسیر قرآن شده و بطور ویژه معرفت و آگاهی بر دیدگاه‌های تأویلی مفسران و تحلیل و بیان تاثیرپذیری مفسران از دیدگاه‌های خود در تفسیر و تأویل قرآن یکی دیگر از مسائلی بود که ضرورت تحقیق در این زمینه را ایجاب می‌نمود و سرانجام کشف جریان فرهنگی تأویل و بررسی دقیق ریشه‌های تاریخی آن در تفسیر قرآن و نیز پاسخگویی به برخی انتقادات در زمینه تأویل عامل دیگری بود که پژوهش در این زمینه را لازم می‌نمود. عدم وجود چنین تحقیقاتی، علاوه بر آنکه تثبیت و استحکام پایه های تأویل و تفاسیر و روایات تأویلی را به خطر نزدیک می‌کند، زمینه را برای آماج تهمت های مخالفان نیز فراهم می‌سازد.

۱-۱-۷-اهداف تحقیق

اهداف تحقیق به اهداف علمی و نظری و اهداف کاربردی تقسیم می‌شود:

• اهداف نظری

هدف‌های علمی و نظری پژوهش حاضر به‌طور اجمال چنین است:

الف) تبیین حقیقت تأویل و ارتباط بین بطن و تأویل

ب) تبیین دلایل آسیب پذیری تأویلات رسیده از معصومین علیهم السلام

ج) تبیین ویژگیها و شاخصه‌های تأویل صحیح

د) معرفی روش و مبنای تأویل در کلام امامان معصوم علیهم السلام

• اهداف کاربردی تحقیق

به منظور بهره‌مندی از حقیقت قرآن راهی جز شناخت و تبیین صحیح از این حقیقت، که توسط راسخان در علم به ما رسیده است، وجود ندارد. این حقیقت اساس و مبنای رسیدن به هدف غایی خلقت است که پس از معرفت بدان میتوان در حوزه کارکرد این اثرات را برای آن برشمرد: الف) شناخت حقیقت منشوری که جهت تبیین راه رشد و کمال با عنوان دین به انسانها معرفی شده است. توضیح اینکه آنچه با عنوان دین به انسانها معرفی گردیده شناخت و اطاعت امام می‌باشد. چراکه امام راه و طریق شناخت خداست. همان‌گونه که در زیارت امیرالمومنین میخوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ» (مجلسی، بی تا: ۹۷ ص ۳۵۹) ب) با نگاهی به مبنای تأویل، تمامی آیات فهم پذیر بوده و انسان خود را مخاطب کنونی آیات کریمه الهی می‌یابد.

۱-۱-۸- روش پژوهش

روش این پایان نامه توصیفی و تحلیلی است. بدین معنا که برای استخراج روش تأویل ابتدا یک دوره تفسیر روایی بطور کامل مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت. مبنای کار مطالعاتی در این قسمت تفسیر روایی البرهان فی تفسیر القرآن بود. سپس با توجه به تقسیم بندی‌هایی که برای روایات تفسیری ذکر شده تمامی روایات این تفسیر کدگذاری گردیده و بطور خاص روایاتی که بنظر مرتبط با حوزه تأویل بود مورد بررسی و دقت بیشتری قرار گرفت با مطالعه کتب و تحقیقات کتابخانه‌ای در زمینه تأویل و بطن سعی در ایجاد یک روش نظامند برای فهم بهتر روایات تأویلی گردید.

سپس بر اساس یافته‌ها، مصادیقی از کتب معتبره حدیثی ذیل عناوین استنباط گردیده افزوده و در صدد تبیین و شرح روایات تأویلی برآمدم. روش این پژوهش در باب اسناد روایات و اعتبار

سنجی روایات بر مبنای آن است که شهرت جابر است یعنی در این پایان نامه بدلیل آنکه بررسی و اعتبار سنجی روایات مورد استفاده، خود کاری در حد یک پژوهش مستقل بود، لذا به واسطه وجود روایت در چندین کتاب حدیثی مبنا بر آن قرار گرفت که به لحاظ سندی اگر روایتی در چندین کتاب حدیثی وجود داشت متعرض بحث سند نشده و عمده تمرکز بر روی محتوی و اشمال روایت بر موضوع مورد نظر بوده است.

۱-۱-۹- ساختار پژوهش

در فصل اول در دو بخش کلیات و مفاهیم به مسائلی از جمله بیان مسئله-پرسشهای تحقیق - فرضیه های تحقیق - پیشینه - جنبه نوآوری - ضرورت تحقیق - اهداف تحقیق و در بخش مفاهیم تعریف مبنا - معناشناسی واژه اهل بیت علیهم السلام - حجیت قول اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن - گونه شناسی، حجیت، و ضوابط فهم روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام همچنین روش و ساختار تحقیق مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. در فصل دوم به تعریف مقدمات پرداخته و سپس موضوع اینکه اهل بیت علیهم السلام تنها مبین قرآن و تأویل هستند را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در فصل سوم به مبانی تفسیر تأویلی خواهیم پرداخت. ابتدا این امر را مورد بررسی قرار می دهیم که شاخص پذیرش اعمال، ولایت اهل بیت علیهم السلام است سپس به این نکته توجه خواهیم کرد که امامت تالی تلو نبوت بوده و به این مطلب پاسخ می دهیم که ولایت چه زمانی بر مردم عرضه شد، شرایط امام و ویژگی های وی نیز از مقدماتی است که بدان پرداخته خواهد شد. مطلب دیگر تناسب ظاهر و باطن یا تأویل آیه و لفظ آن است. نهایتاً مبانی و اصول تأویل که مستخرج از روایات است طرح می گردد. در فصل چهارم آسیب شناسی روایات تأویلی مطمح نظر است که در این فصل با سه حوزه آسیب پذیری روایات مواجه هستیم: مرحله صدور، مرحله نقل و مرحله فهم حدیث. و در نهایت به بررسی شناسایی سندی احادیث نیز نیم نگاهی می اندازیم.

۱-۲- مفاهیم

در این قسمت از رساله به تعریف لغوی و اصطلاحی واژه‌های کلیدی می‌پردازیم.

۱-۲-۱- کلید واژه‌های تحقیق

موضوع پژوهش - مبانی و روش تفسیر تأویلی در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام - شامل واژه‌هایی است که قبل از ورود به مباحث اصلی، باید حوزه معنایی آنها روشن شود. لذا ابتدا این واژه‌ها مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار می‌گیرند.

• مبانی

واژه «مبنا» اسم مکان از ماده «بنی یبنی» است به معنای: چیزی که بر روی آن، غیر آن ساخته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۲۶ق) اما در معنای اصطلاحی گفته‌اند: «حکم کلی است که حکم جزئی‌هایش توسط آن شناخته می‌شود.» (السبت، ۱۴۱۷ق: ۲۳) گاهی برای اصل و قاعده نیز همین تعبیر بکار برده می‌شود بنابراین یک معنای مراد استاندارد و خاص مورد اتفاق ندارد. لذا واژه‌های فوق، در معنای اصطلاحی تفاوتی نداشته و تفاوت‌هایی که در کاربرد این واژه‌ها دیده می‌شود، به سبب ذوق و سلیقه است نه مربوط به کیفیت و طریق استخراج و کشف معانی و مقاصد قرآن و هر مؤلفی می‌تواند براساس اراده و ذوق خود محدوده آنها را جدا کرده و مراد خود را از هر یک بیان کند. (به عنوان نمونه به طیف معانی مختلف در مورد مبانی، قواعد و اصول تفسیر در کتاب‌های زیر توجه کنید: عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن ص ۲۰۴ / مؤدب، رضا، مبانی تفسیر قرآن ص ۲۷ / شاکر، محمدکاظم، مبانی و روش‌های تفسیری ص ۱۱۵ ..).

آنچه در این پژوهش مدنظر است، هر آن چیزی است که در مقدمه ورود به نوع خاصی از تفسیر (تأویلی) لازم است، اعم از مقدمات لازم برای تفسیر، معرفی و اثبات حجیت منابع تفسیر، شرایط مفسر، روش‌های تفسیر، موانع تفسیر و .. فقط با این قید که از مکتب دانایان به قرآن، یعنی اهل بیت علیهم‌السلام برداشت شده باشد.

• مفهوم تفسیر تأویلی

تفسیر تأویلی نوعی از تفسیر قرآن بوده که در آن بازگشت به حقیقت و کنه و مراد جدی آیه مطمح نظر است. بدین معنا که در این نوع تفسیر به دنبال بازیابی حقیقتی و رای معنای تحت اللفظی هستیم که این حقیقت همان اصل و ماهیتی است که نزول قرآن برای آن هدف بوده است. واقعیت آن است که تفسیر روایی باید مقدم بر سایر انواع تفاسیر باشد، زیرا صاحب اصلی کتاب، رسول خدا ﷺ و بعد از ایشان ائمه اطهار علیهم السلام هستند، لذا اینان باید قرآن را آن گونه که هست و در حد بشر بیان کنند و اگر انسان نظام فکری حاکم بر اهل بیت علیهم السلام را دریافت کند، می تواند کم کم قدم در زمینه تفسیر بگذارد. ولی عدم شناخت دقیق این نظام فکری - به جهت برخی مشکلات در این راه - توسط برخی مفسران، باعث شده است که از روش تفسیر روایی دور بمانند. نتیجه آن شد که آن چه که در تفسیر مهم باشد، آن است که بیشتر مفسران به ظاهر آیات می پردازند و قضیه تأویل و تفسیر در همین جا از هم متمایز می شود. در تأویل سعی بر آن است که از ظواهر آیات گذر کنیم و با موشکافی با بطن آیات تماس پیدا کنیم، اما آنچه مهم است این است که قرآن کریم بیان می کند که تأویل تنها مخصوص راسخین در علم است و در روایات متعدّد نیز آورده است: «رسوخ در علم در حد اعلی مخصوص به رسول خدا ﷺ و پس از ایشان برای ائمه اطهار علیهم السلام است.» هم چنین در آیه هفتم از سوره آل عمران «... لَّا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرّٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ...» مفسران بحث های مفصّلی کرده اند که ما حاصل آن به این قرار است که (واو) در آیه مورد نظر یا (واو) استنیافیه است و یا (واو) عاطفه، اگر عطف باشد مفهوش آن است که راسخین در علم بدون هیچ شکی تأویلش را می دانند بنابراین اهل بیت علیهم السلام تأویل آیات را می دانند، اما اگر (واو) را استنیاف لحاظ کنیم به این معنا است که راسخین در علم از این تأویل مطلع نیستند و آن را به خدای متعال واگذار می کنند و به تأویل آن ایمان می آورند. آنچه صحیح است این است که رسوخ در علم در این آیه شریفه، امری نسبی است نه مطلق (این بحث بطور مبسوط در فصل دوم مورد مذاقّه قرار خواهد گرفت)؛ یعنی در حد اعلی رسوخ در علم از آن اهل بیت علیهم السلام است، و شیعیان در حد توانایی خود و بر اساس تعالیم اهل بیت علیهم السلام می توانند رسوخ در علم کنند و به تأویل دست پیدا کنند؛ یعنی موشکافی کرده و از سخن پیدای کلام به سخن ناپیدای آن پی ببرند، این فرق میان تأویل و تفسیر است. در تفاسیر عرفانی نیز که از حد ظاهر کلمات و واژگان قرآن گذر نموده و به بطن آن می پردازند، تأویل جریان می یابد؛ زیرا اگر مفسر از ظاهر لفظ گذر کند و سعی کند به بطن آیه دست پیدا کند و به حقیقت برسد به واقع این همان تأویل است.

با توجه به این که یکی از تعاریف تفسیر پرده برداشتن از مراد خداوند است (رجبی، ۱۳۸۵: ۳۶) و یکی از مهم‌ترین محورهای فهم قرآن، در نظر گرفتن ظاهر الفاظ است تا معنای آنچه را که خداوند متعال فرموده است: بر ما روشن شود. در انواع تفاسیر از جمله: فلسفی، عرفانی، کلامی و روایی اگر در مورد معانی ظاهری متن سخن گوئیم و نه معانی باطنی، اگر از ظاهر لفظ عدول کنیم، در واقع این فرایند را «تفسیر» نمی‌نامند. در واقع این‌جا، دیگر سخن از معانی متداول الفاظ قرآن نیست، ولی اگر منظور از تفسیر، پرداختن به معانی باطنی قرآن است، فرآورده‌اش را نمی‌توان تفسیر نامید؛ هرچند به تسامح از تمامی این محصولات به تفسیر عرفانی یا تأویلی خطاب شود. هدف در هر تفسیری دستیابی به معرفت بالای کلام خدا نه فقط در ظاهر بلکه در باطن است اما در تفسیر عرفانی بیشتر کار روی بحث تأویلی است.

تأویل در لسان پیامبر ﷺ و برخی از یاران و جانشینان ایشان، تطبیق و برداشت‌های کلی و همه‌جانبه‌ای است که از آیه استفاده می‌شود. حوزه تأویل از حوزه تفسیر جدا است و تأویل تلاشی است که مفسر قرآن برای تبیین معانی غیرظاهری الفاظ به دست می‌دهد. اما این مطالب را از الفاظ در نمی‌یابد بلکه به ذوق و کشف و اشاره اعتماد دارد. در واقع تأویل در علوم قرآن و تأویل در حوزه اصول و تأویل عرفانی اصول و ماهیتی متفاوت از یکدیگر دارند. تأویل قرآن اساساً ناظر به امر خارجی است و نسبت به بعضی آیات (یا همه‌ی آنها) مطرح است و آن امر خارجی به حسب مورد تغییر می‌کند در واقع برخی از آیات قرآن در قالب و با الفاظی نازل شده که فهم مراد آنها، به سبب احتمال چند معنای متفاوت، نیاز به رفع ابهام دارد و چه بسا قالب دیگری برای ارائه آن موجود نیست؛ این رفع ابهام را تأویل گویند.

معنای دیگری که برای تأویل قرآن مطرح شده، بیان‌ها و برداشت‌های مخالف با ظاهر لفظ است. تأویل در علوم قرآنی: ذکر یک معنا، به طریق استنباط، برای آیه که این معنا با سیاق آن هم‌خوانی دارد و با کتاب و سنت ناسازگار نیست. تأویل بدین معنا عبارت است از «برداشت‌های کلی با قطع نظر از خصوصیات تنزیلی هر آیه» که از رهگذر تعمق در آیات قرآن و فراهم بودن امکان تأویل - و در رأس آن، رسوخ در علم - حاصل می‌شود. تأویل در عقاید به جهت تطابق متشابهات قرآن و حدیث با قوانین نظری و مقدمات عقلی برای تقدیس خدای متعال و تنزیه او از صفات امکانی و نقایص کوئی مطرح گردید (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۳: ج ۴ ص ۱۵۰، ۱۵۲)، زیرا حمل کلام بر معنای موضوع له آن - مثلاً در مورد وجه و ید و جنب و ساق و عین و اذن و غضب و مکر و

استهزای حق تعالی — مستلزم تجسیم و تشبیه و انسان مانند انگاری است. (رجوع کنید به آملی، ۱۴۱۶ق: اص ۲۴۰).

تأویل در عرفان: تأویل در سه مورد در آثار عرفانی مطرح شده است: (۱) تأویل قرآن مجید که ناظر به متشابهات و آیات به ظاهر متناقض و حروف تهجی است. (۲) تأویل احادیث که به روایات و اخبار رؤیت و معراج و مانند آن راجع می‌شود که اصطلاحاً متشابهات حدیث‌اند. (۳) تأویل بعضی اقوال عرفا همچون شطحیات و به طور کلی رموز و متشابهات و تلویحات (بقلی، ۱۳۴۴: ۵۷-۵۹؛ ابن عربی: اص ۱۸۸-۱۹۱؛ آملی، ۱۴۱۶ق: اص ۳۰۰-۳۰۲).

اگر تفسیر عرفانی را بدین مفهوم در نظر بگیریم که از ظاهر آیات گذر کرده با موشکافی برای دریافت سخن ناپیدای کلام از خود تلاش نشان دهیم، به این تفسیر، تفسیر معرفتی گویند، تفسیر معرفتی که بر روح و جان انسان می‌نشیند و هر لحظه در او شور آفرینی می‌کند و او را علاقه‌مند می‌کند به این‌که آیات قرآن را بارها و بارها تکرار کند به مصداق «... فَأَقْرَأُوا مَا تَيْسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...» تا این مروایدهای گرانها که در قرآن نهفته است را شکار کند، به این نوع تفسیر، تفسیر معرفتی یا عرفانی یا همان تفسیر رمزی و اشاره‌ای می‌گویند.

بسیاری، بطن‌داشتن را ویژگی منحصر به فرد قرآن دانستند و حتی از وجوه اعجاز قرآن برشمردند و تا آنجا پیش رفتند که هر معنایی را به آیات قرآن نسبت دادند، چه آن معنا با آیات قرآن ملازمه منطقی داشت یا نداشت و چه ربط آن با آیات قرآن قابل فهم بود یا نبود. بطن‌داشتن قرآن در نزد بسیاری دستاویزی شده است برای آن‌که آن‌چه را نمی‌توانند به عنوان تفسیر قرآن، به قرآن نسبت دهند و از رهگذر آن متهم به تفسیر به رأی می‌شوند، تحت عنوان بطن و تأویل قرآن بیان کنند. تأویلی حق است که بر مبنای شواهد نقلی قطعی باشد و بعد شواهد عقلی هم آن را تأیید کند. منظور از شواهد نقلی این است که حتماً بر اساس آیات قرآن و روایات قطعی معصومین علیهم‌السلام مستند باشد. زیرا تنها معصومین علیهم‌السلام لسان قرآن بوده و مترجم آن می‌باشند. بر اساس روایات فراوانی که ذکر شده است امیرالمومنین و همچنین فرزندان او لسان، کتاب ناطق الهی و قرآن ناطق هستند.

ابوبصیر گوید: درباره آیه «هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ» از امام صادق علیه‌السلام پرسش کردم، ایشان فرمودند: «قرآن سخن نمی‌گوید: لیکن محمد و اهل بیت او علیهم‌السلام ناطق به کتاب - یعنی قرآن - می‌باشند.» (مجلسی، بی تا: ۲۳ص ۱۹۸-۱۹۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۵۶۰-۵۵۹) امام صادق علیه‌السلام